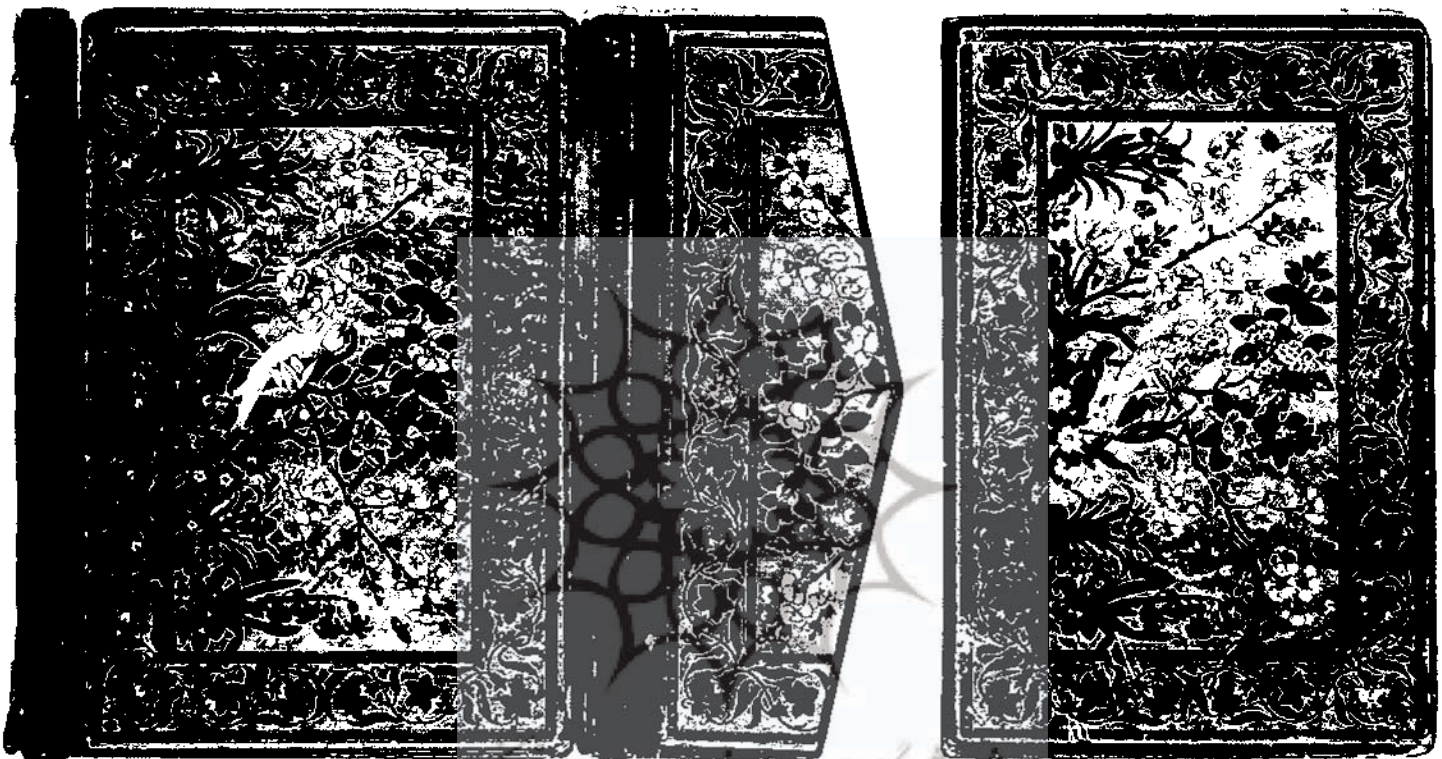


صحافی سنتی

● علی اصغر ثابت جازاری



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نقش توسعه کتابخانه‌ها در شکل‌گیری هنر صحافی (وراق)

با اختراع کاغذ در سال ۱۰۵ میلادی در چین، سبب گردید تا جنبه‌های مختلف علوم بر روی کاغذ مکتوب گردد و با ایجاد مراکز علمی (قبل از اسلام) امکان دسترسی به علوم مختلف برای اندیشمندان و حکماء فراهم شود. با ظهور اسلام و انتقال صنعت کاغذسازی از چینیان به مسلمانان، کاغذسازی در شهرهای اسلامی رواج یافته و به پیدایش و گسترش کتابخانه‌ها انجامید و کتابخانه‌ها از حالت اختصاصی خارج و به صورت عمومی درآمدند.

در عصر مأمون ایجاد کتابخانه و شوق تأسیس آن بالا گرفت و اکثر وزراء و علماء کتابخانه‌های بزرگی تأسیس کردند و این علاقه به کتاب و تأسیس کتابخانه همچنان رو به افزایش بود تا جایی که در قرن چهارم هجری در تمام ممالک اسلامی در هر شهری

کتابخانه‌های مناسبی ایجاد شده بود. از جمله کتابخانه المستنصر در اسپانیا که دارای ۴۰۰۰۰۰ جلد کتاب بوده است و بهترین متخصصین جلدساز، صحاف، مصحح و خوشنویس در این کتابخانه گردآمده بودند. در بخارا و تحت حکومت نوح بن منصور سامانی نیز کتابخانه بزرگی تأسیس شد که ابن خلکان گوید: «در این کتابخانه بی‌نظیر کتاب‌هایی در هر علم و فن وجود داشت که در هیچ جای دیگر نبود».

شرح مختصر فوق نقش و اهمیت وراق (صحاف) را نشان می‌دهد و اینکه پدید آمدن یک کتاب در گرو همکاری افرادی چون مؤلف و مترجم، کاتب (خوشنویس)، جلدساز، مصحح، نقاش یا تذهیبکار و وراق بوده است. در ادامه مطلب لازم می‌دانم معنی واژه وراق و کاربرد آن را در دوره اسلامی شرح دهم.

وراق و وراقه

سمعانی در کتاب الانساب می‌گوید: «وراق به فتح

اسناد و مدارک و کتب گذشتگان چونان برگ‌های خزان زده‌اند. آیا باید این برگ‌های خزان زده را به دست باد بسپاریم تا همراه خس و خاشاک به سرزمین‌های فراموشی برده شوند، یا اینکه می‌توان آنها را از گزند روزگار و آفات زمان‌رهای بخشید و برای پندآموزی آیندگان به حفظ و نگهداریشان پرداخت.

باید دریابیم که گذشتگانمان بر سر بالندگی این مرز و بوم، چه رنج‌ها برده‌اند و در راه چه آفرینش‌های هنری جان باخته‌اند که کمترین سودش، استفاده از تجربه نیاکان در رفع موانع امروز است و نوشته حاضر تلاشی در راه شناخت و معرفی یکی از این هنرها به نام صحافی است. در این بررسی ابتدا سابقه ایجاد کتابخانه و نقش آن در هنر صحافی (وراقی) و بعد معنی واژه وراق در تمدن اسلامی و تاریخچه آن بیان می‌شود و سپس به معرفی وراقان معروف دوره اسلامی و در نهایت شیوه و نحوه کار صحافی سنتی بررسی می‌شود.



ولو و تشدید راء و در آخر آن قاف، بر کسی گویند که قرآن‌ها و کتاب‌های حدیث و غیره را از روی نسخه اصل می‌نویسد و آن را تکثیر می‌کند، گاهی هم این لفظ را بر کاغذ فروش نیز اطلاق کنند.

و تعاریف دیگری که در کتاب‌های لغت از جمله در قاموس آمده است. ابن‌خلدون نیز وراقت را جزء مهمترین صنایع می‌داند، چون نویسندگی و دیگر هنرهای وابسته به آن مثل وراقت نیاز انسان را حفظ کرده و اندیشه‌ها و خاطرات درونی انسان را به کسان غایبی که از وی دور هستند می‌رساند و نتایج اندیشه‌ها و دانش‌ها را در کتب جاویدان می‌سازد، و در ادامه فصلی را نیز به صنعت صحافی (وراقت، صحافی و تجلید کتاب‌ها و استنساخ و تصحیح آنها) اختصاص داده است. و از آنچه در این فصل در مورد تجلید و استنساخ می‌آید، حکایت از این است که وراقه بر استنساخ‌کننده و کتاب‌نویس و نیز بر کاغذفروش اطلاق می‌شود. بهر حال می‌توان گفت که در دوره‌های اسلامی کلمه وراقه در یکی از چهار مورد زیر به کار می‌رفته است:

۱- وراقه یعنی کتاب‌نویسی و استنساخ کتاب و امور مربوط به آن از قبیل آراستن و تصویر و تذهیب‌اندازی کتاب.

۲- کاغذ فروشی و لوازم التحریر فروشی مثل قلم و مرکب و مسطره و...

۳- کتابفروشی (سوق در بغداد همان بازار کتاب فروش‌ها بوده است).

۴- تجلید کتاب

تجلید کتاب

از جمله مباحث پیرامون وراقت و کتاب‌سازی، فن جلد نمودن کتاب‌هاست چون وراقه در آن روزگار هم به صحافی و تجلید کتاب و هم بر استنساخ و تصحیح کتاب اطلاق می‌شد و به هر دو صنعت وراقه می‌گفتند. منظور از جلدسازی کتاب‌ها تنها، حفظ کتاب نبوده

است که یکی از توابع کتاب به شمار آید، بلکه جلدسازی خود فن و هنر مستقلی بوده است که گهگاه آثار هنری بسیار عالی در آن متجلی می‌گردید.

مسلمانان در ایران جلدسازی را از قرون اولیه هجری می‌دانستند و آن را به صورت ساده و ابتدایی می‌ساختند. به طوری که ابن ندیم می‌گوید: «جلدهای کتاب در ابتدا از چرم‌هایی که توسط آهک دباغی می‌شد، تهیه می‌گردید و در نتیجه این پوست‌ها خشک بود، سپس در کوفه پوست‌هایی با خرما دباغی می‌شد که موجب نرمی و ملایمی جلد‌ها می‌گردید.»

قدیم‌ترین جلد‌های ایرانی مربوط به اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. هنر جلدسازی در قرن نهم هجری به وسیله جلدسازان و صحافان مکتب هنری هرات به اوج خود رسید و به صورت یک هنر ایرانی درآمد. در این دوره صحافان کتابخانه‌ها بهترین و زیباترین کتاب‌ها را با خط بسیار زیبا و با مذهب کاری و نقاشی و جلد‌های قیمتی به وجود آوردند و این نتیجه جنبش هنری بود.

در این دوره ما شاهد خلق شکل‌ها و قالب‌های هنری فراگیر در سراسر بخش‌های عظیم جهان اسلام هستیم. سرپرست صنعتگران هرات، خوشنویسی بود به نام جعفر تبریزی که گزارش‌هایی برای بای سنقر تهیه می‌کرد و در یکی از این گزارش‌ها به تاریخ ۸۳۱ ه.ق که هم اکنون در موزه توبقاپی سرای در استانبول نگهداری می‌شود، در چهار مورد به هنر جلدسازی اشاره کرده است. در دوره صفویه جلد کتاب با اشتیاق بیشتری تزئین می‌شد و طلاکاری آن نسبت به قرن ۹ هجری بیشتر بود. و بعضی از طرح‌های تزئینی، کلیه سطح جلد را می‌پوشانید و در مواردی دیگر، طرح تزئینی در داخل یک شکل تزئینی یا در قسمت‌های دیگر قرار داشت. در زمان شاه طهماسب اول نوعی جلد پدید آمد که به جلد‌های روغنی (لاکی) شهرت دارد.

از قرن ۱۱ هجری به بعد، ترکیب طرح‌ها به تدریج

ظرافت خود را از دست داد و خطوط خشن تر شد. عصر قاچاریه خاصه زمان فتحعلیشاه دوره استیلای هنر اروپا و کاربرد رنگ‌های نسبتاً خام است. جلد کتاب در این دوره ادامه اسلوب صفوی است، اما رواج جلد‌های روغنی بیشتر بود و تزئینات و طرح‌ها معمولاً طرح‌های گل طبیعی است که با رنگ‌های روشن نقاشی شده است.

می‌توان گفت هنر کتاب‌سازی و وراقت در تولید کتاب و نسخ خطی با عمل صحافی تکمیل می‌گردد، چون مسوولیت حفظ اوراق کتاب برعهده صحافی (وراق) است. صحافی هنر چندین صدساله است که جهت محافظت دست نوشته‌ها، توسط هنرمندان با سلیقه و سبک‌های مختلف آثار ارزنده‌ای به یادگار گذاشته‌اند. خلاصه آنکه این هنر تا به امروز دوام یافته، اگرچه در زمان قاچار تحت تأثیر صحافی فرنگی دچار تغییراتی شده ولی تا به امروز ادامه دارد و هم اکنون نیز تنها مرکزی که در ایران به این شیوه کتاب را صحافی و وصالی می‌کنند کتابخانه آستان قدس رضوی است.

معرفی چند تن از وراقان دوران اسلامی

ابن ندیم مولف کتاب «الفهرست» که خود در بغداد به کار وراقی و صحافی اشتغال داشته در کتابش ذیل عنوان نام مشاهیر جلدکنندگان قرآن از ابن ابوحریش که صحاف خزانه‌الحکمه مأمون، شغة‌المقراض عجیبی، ابوعیسی بن شیران، دمیانه اعسر، ابن حجام، ابراهیم و فرزندش محمد و حسین بن صفار که گویا از صحافان دربار عباسی بوده‌اند و یا از آن کسانی که برای مردم در دکان‌های خود کار می‌کرده‌اند.

همچنین مقدسی جغرافیدان قرن چهارم که در فن جلدسازی ماهر بوده و یا وراقانی که کاتب بوده و نسخه می‌نوشتند، نسخه متعلق به کتابخانه غزنویان که در کتابخانه دانشگاه لندن است، نسخه‌ای از قرآن مجید

که به صورت سی جزء کتابت شده و در هر جزء آن نام عثمان بن حسین الوراق از سال ۴۶۶ هجری مشاهده می‌شود. قوام‌الدین مجلد تبریزی از هنرمندان دوره تیموری که در تبریز می‌زیسته و آوازه هنرش به هرات می‌رسد و گفته می‌شود جلد معرق از ابداعات وی است. از صحافان دوره صفوی نیز می‌توان به محسن مجلد، سلطان ابراهیم میرزا صفوی، مولانا قاسم بیگ تبریزی، میرزا صدرالدین قزوینی، مولانا محمدامین و غیره اشاره نمود.

بررسی و معرفی شیوه کار صحافی سنتی

مطالبی که در این قسمت می‌آید، آموخته و استنباطم از استادان مرحوم حسن خطیبی و جواد رفوگران از صحافان معاصر کتابخانه آستان قدس رضوی و مطالعه منابع و مآخذی در این باره و مشاهده عینی صحافی و وصالی است.

در صحافی سنتی برای مرمت یک نسخه خطی (یا سند)، ابتدا باید به جدا کردن جلد و باز کردن عطف کتاب و مرمت‌های قدیمی فرسوده اقدام کرد و سپس با برآورد کاغذ، اقدام به رنگ زدن آن کند. امروزه با منسوخ شدن کاغذ دست ساز از کاغذهای فرنگی و ماشینی استفاده می‌شود که از نقاط ضعف این هنر سنتی است چرا که، این نوع کاغذها منشاء اسیدی دارند یعنی در ساخت آنها از اسید سولفوریک استفاده می‌شود، در حالی که کاغذ نسخ خطی اکثراً دست‌ساز و به روش قلیایی تهیه شده‌اند یعنی در ساخت آن از آهک استفاده شده است که مخالف اصل سنخیت در مرمت علمی است. زیرا بحث بر روی همگن بودن قسمت مرمت شده با اصل اثر است.

آهار زدن کاغذ

این عمل می‌تواند قبل یا همزمان با رنگ کردن کاغذ باشد و به عملی گفته می‌شود که کاغذ را در محلول لعابی بعضی از مواد غوطه‌ور می‌نمایند. این عمل برای صاف شدن کاغذ و نرمی سطوح آن و استحکام دادن به کاغذ و پخش نشدن مرکب به هنگام نوشتن و روانی قلم انجام می‌شود. بعد از آهار دادن کاغذ باید سطح آن مهره شده و براق گردد.

آهاری قدیمی و سنتی به کار برده شده عبارتند از: سفیده تخم مرغ، نشاسته، کتیرا، اسریشم حیوانی، صمغ عربی، تخم گل ختمی، اسفرزه که از معایب این مواد آهاری آفت زدگی است، زیرا به علت ترکیب شیمیایی خاص خود غذای مناسبی برای حشرات و قارچ‌ها می‌باشند و اغلب کاغذ نسخ خطی که فاقد اسیدیت‌اند دچار این قارچ‌زدگی و کرم‌خوردگی هستند.

رنگ کردن کاغذ

صحافان در گذشته و حال برای رنگ زدن کاغذ از مواد گیاهی و طبیعی که دارای کیفیت رنگی متفاوتی از یکدیگرند استفاده کرده و می‌کنند. از نظر مقدار، رنگ زرد بزرگترین گروه از رنگ‌های طبیعی است ولی نسبت به رنگ‌های قرمز و آبی و سیاه کم رنگ‌تر و دارای

خواص مقاومتی ضعیف‌تر در مقابل نورند. روش آماده‌سازی این مواد و گرفتن رنگ از آن کار بسیار دقیقی است و نیاز به تجربه دارد. انواع این مواد گیاهی و طبیعی و نوع رنگ حاصل عبارتند از: زعفران که رنگ محلول زرد متمایل به قرمز می‌شود، از گل زعفران نیز رنگ بنفش می‌گیرند. پوست گردو که رنگ حاصله سبز تیره متمایل به زرد است. برگ حنا و رنگ حاصل قرمز کم رنگ، پوست انار و رنگ حاصل زرد متمایل به قرمز، روناس و رنگ حاصل قرمز متمایل به زرد، چای که رنگ حاصل قرمز متمایل به زرد است، اسپرک که رنگ حاصل از آن زرد است و قرمز دانه.

در قرون گذشته سعی می‌کردند رنگ کاغذ برای وصالی و بازسازی قسمت‌های کسری هم‌رنگ کاغذ اصلی باشد و این عمل در بین صحافان سنتی هم اکنون رایج است ولی از چند سال پیش تاکنون در کتابخانه آستان قدس سعی می‌شود تا رنگ کاغذی که برای بازسازی قسمت‌های کسری نسخه خطی به کار می‌رود کمی روشنتر از کاغذ اصلی باشد و این به دلیل مشخص کردن قسمت‌های بازسازی شده است.

آنچه در رنگ کردن کاغذ برای صحاف مهم است روانی، غلظت و ترکیب دو یا سه رنگ است برای بدست آوردن رنگ مورد نظر، نکته دیگر آنست که از دید حفاظتی و مرمتی نیز باید به میزان تانن گیاهی که در رنگ وجود دارد و به کاغذ منتقل می‌شود توجه کرد.

وصالی

وصالی، مرحله دیگری است برای ترمیم و اتصال پارگی کاغذ که شامل وصالی پارگی‌های عطف اوراق و سپس نوبت به بازسازی قسمت‌های کسری می‌رسد. روش دیگر وصالی و بازسازی، روش متن و حاشیه کردن اوراق می‌باشد و صحافان از این شیوه برای بازسازی اوراقی که اطراف و حاشیه آن کاملاً از بین رفته یا پوسیده‌اند و فاقد استحکام لازم می‌باشند، استفاده می‌کنند (این روش در مورد کتابهای فاقد حاشیه‌نویسی به کار می‌رود).

نوع چسب

نوع چسب به کار گرفته شده توسط صحافان مرحله بعدی است که در قرون گذشته از سریش حیوانی برای جلدسازی و عطف چسبانی کتاب و از سریش برای وصالی و متن حاشیه نمودن اوراق استفاده می‌کردند. امروزه اکثر صحافان فقط چسب سریش را به کار می‌برند و درست کردن خمیر چسب سریش نیاز به مهارت و تجربه کافی دارد زیرا میزان چسبندگی خمیر سریش بستگی به غلظت آن دارد.

دوخت عطف

صحافان و وراقان در قرون گذشته اوراق کتاب را به صورت جزوه‌بندی (ملیچه‌بندی) به یکدیگر متصل و می‌دوختند. اصطلاح ملیچه (جزوه) در مورد مجموعه‌ای از ورق‌ها به کار می‌رود که به صورت دسته‌های ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۶ برگی باشند. برای مثال: اگر سه برگ کاغذ A4 را روی هم قرار داده و از وسط تا کنیم یک ملیچه

(جزوه) شش برگی ایجاد می‌شود که دارای ۱۲ صفحه است. محل تاخوردگی را صحافان، عطف می‌نامند. با روی هم قرار دادن و دوختن عطف چندین جزوه، کتاب شکل می‌گیرد. صحافان هنگام وصالی اوراق و یا متن و حاشیه کردن به شماره صفحات و ترتیب جزوه‌ها دقت می‌کنند تا شماره صفحات چاپجا نگردد.

آستر بدرقه

آستر بدرقه نیز به آستر دولایی، گفته می‌شود که یک طرف آن به جلد چسبیده و طرف دیگر آن فقط در نزدیکی عطف به کتاب چسبیده شده باشد. آستر بدرقه نقش لولای اتصال بین جلد و کتاب را دارد و به همین دلیل معمولاً کاغذ آن را با گرماژ بیشتر (ضخیم‌تر) از ورق‌های کتاب انتخاب می‌کنند.

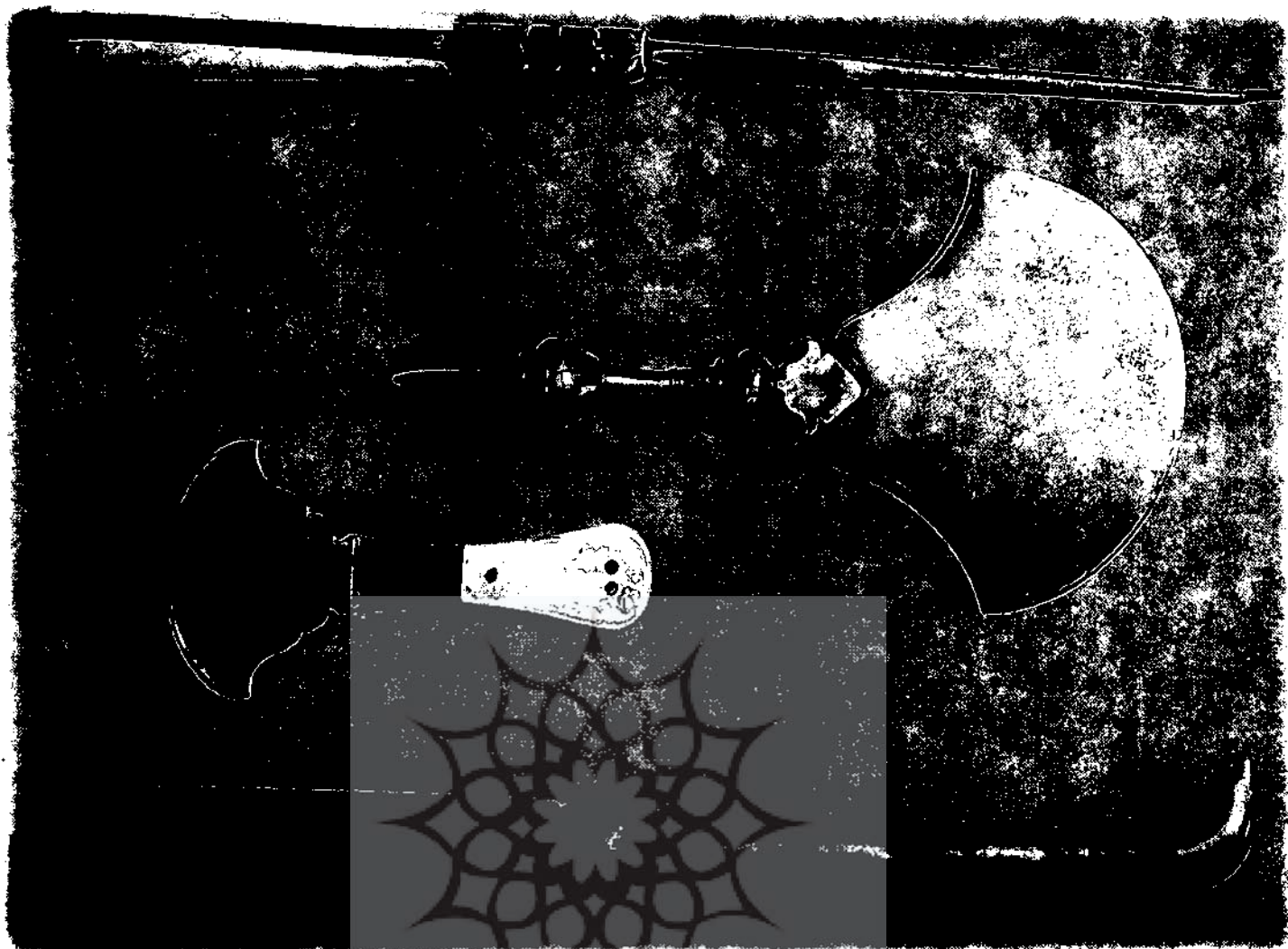
ساخت جلد و روکش کردن آن

در گذشته صحافان برای ساخت مقوای جلد، اوراق کتاب‌های بی‌ارزش یا کاغذهای باطله را برگ به برگ چسب زده و روی هم قرار می‌دادند تا مقوایی به ضخامت موردنظرشان ساخته شود و بعد از خشک شدن، آن را مورد استفاده قرار می‌دادند. اما امروزه صحافان سنتی مقوای ماشینی آماده و با ضخامت‌های متفاوت را استفاده می‌کنند ولی دو عیب عمده دارند اولاً از کاغذهای باطله ساخته شده و ثانیاً فوق‌العاده اسیدی‌اند و به مرور زمان اسیدیته خود را به اوراق اول و آخر کتاب منتقل می‌کنند. در گذشته برای روکش جلد از چرم، تیماج، میشن، شبرو، ساغری، پارچه قلمکار و زری استفاده می‌کردند. اما با به بازار آمدن روکش‌های پلاستیکی رنگی به نام گالینگور دیگر خبری از روکش‌های قدیمی نیست و فقط چرم و تیماج برای جلد کتاب‌های خطی به کار می‌رود.

در قرون گذشته صحافان اگر می‌خواستند جلد کتاب را تزئین کنند، قبل از چسباندن جلد به کتاب، این کار را انجام می‌دادند. انواع جلد‌های ساخته شده در قرون گذشته شامل، جلد سوخت، جلد معرق، جلد روغنی، جلد پارچه‌ای، جلد ضربی می‌باشد. در حال حاضر، صحافان سنتی اکثراً جلد ضربی و گاهی جلد روغنی می‌سازند.

نام تزئینات و محل قرار گرفتن آن بر روی جلد

اسامی تزئینات به کار گرفته شده عبارتند از: ترنج، شمشه، سر ترنج، لچکی، کتیبه. ترنج - صورت مدور یا بیضی شکلی است دارای نقش اسلیمی، خطائی، بترمه یا تصویر حیوانات و خطوط رقاع، نسخ و نستعلیق، که هنرمند آن را در وسط جلد نقش می‌اندازد. شمشه - عبارت از شکل تارنج و لیمو و هر تصویر مدور و منقوش زرانودوی که در مساجد به کار می‌رود که گاهی به جای ترنج وسط جلد، به کار برده می‌شود و با همان نقوشی که در ترنج به کار می‌رود، تزئین می‌گردد. سرترنج - لوزی‌های کنگره‌دار کوچکی است که



صحافان برای پر کردن مکان خالی بالا و پایین ترنج تا لبه کتاب، آن را به کار می‌برند و در بعضی جلدها نام هنرمند صحاف یا سفارش‌دهنده، در روی آن نقش بسته یا با طلا نوشته شده است.

کتبیه - چهارگوشه مستطیلی است که دو طرف آن با نیم دایره یا ربع دایره شکل گرفته و دارای کنگره ظریف می‌باشد. این شکل در حواشی چهارطرف جلد (نزدیک لبه) برای نگارش خط به کار می‌رود.

لچکی - شکلی است سه ضلعی که با چرم، تیماج یا پارچه در دو گوشه جلد قرار می‌گیرد و در قدیم از آن استفاده نمی‌کردند. لچکی در اصطلاح به پارچه چهارگوشه‌ای گفته می‌شود که یک گوشه آن را تا کنند به نحوی که سه گوشه (شکل مثلث) گردد.

ابزار آلات صحافی سنتی

ابزارهای صحافی که امروزه به کار برده می‌شوند عبارتند از:

شفره، شکنجه (قید)، قیچی، سوزن، نخ، چاقو، سَطَّارِه، پرس، اُسکُو و مُشَبَّه.

در خاتمه آنچه می‌توان گفت این است که وراقی و

صحافی با عمری هزارساله، هنوز نجات‌بخش میراث مکتوب بازمانده از گذشتگان است. اگرچه وراقی با کتابت و کتاب‌سازی در تمدن اسلامی متولد گردید اما با گذشت ایام به خاطر توجه علما و اندیشمندان و امراء به کتاب رشد کرد و به شکوفایی رسید که نسخ خطی بازمانده از دوره تیموری و صفوی در موزه‌ها و کتابخانه‌های معتبر ایران و جهان گویای این مطلب است.

به‌هرحال، توجه به امر حفاظت و مرمت میراث مکتوب ما، در زمان حاضر سبب مطرح شدن روش علمی مرمت کاغذ گردیده است. امید است که دست‌اندرکاران این امر با شناخت کامل صحافی سنتی و کاربرد وسایل و تکنیک‌های علمی مرمت کاغذ، تلفیقی از این دو شیوه را برای حفظ و مرمت میراث مکتوب این کشور پدید آورند.

* - این مطلب، چکیده مقاله ارائه شده به نخستین همایش حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی است.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن ابی اصیبعه، طبقات الاطباء، ذیل احوال ماسرجویه
- ۲- ذبیح‌الله صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، جلد اول، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، ص ۲۷
- ۳- ابن ندیم، الفهرست، ترجمه رضا تجدد، ۱۳۴۵
- ۴- یتمة‌الدهر، ذیل احوال سهل بن مرزبان
- ۵- سمعانی، الانساب، چاپ لندن، ۱۹۱۲، ورق ۵۷۹
- ۶- فیروزآبادی، القاموس
- ۷- ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون
- ۸- زکی محمدحسن، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام
- ۹- مهدی فرشاد، تاریخ مهندسی در ایران
- ۱۰- مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم
- ۱۱- ایرج افشار، صحافی سنتی
- ۱۲- راوندی، راحة‌الصدور، تصحیح محمد اقبال
- ۱۳- گلستان هنر
- ۱۴- نجیب مایل هروی، کتاب آرایبی در تمدن اسلامی
- ۱۵- حمیدرضا قلیچ‌خانی، رسالتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته